

بسم الله الرحمن الرحيم. جناب آیت‌الله حیدری؛ بسیار سپاسگزارم که وقت‌تان را در اختیار ما گذاشتید. امیدوارم گفت‌وگوی پرباری داشته باشیم و بتوانیم از محضر شما نکات ارزشمندی برای مخاطبان دریافت کنیم. اجازه دهید با اشاره مقام معظم رهبری در پیام نوروزی سال ۱۴۰۴ شروع کنم. ایشان فرمودند وقایع سال گذشته شباهتی به سال ۶۰ دارد و انقلاب اسلامی فراز و نشیب‌های زیادی را تجربه کرده است. این مقایسه چه پیامی دارد و از نظر شما چه نکات کلیدی در این شباهت وجود دارد؟

بسم الله الرحمن الرحيم. مقام معظم رهبری تشبیه کلی‌ای کردند و وارد جزئیات نشدند، اما می‌شود استنباط کرد که منظورشان چه بوده است. سال ۶۰ یکی از حساس‌ترین مقاطع انقلاب اسلامی بود، زمانی که تقابل بین انقلاب و استکبار جهانی به اوج خودش رسید. از بیرون، صدام یعنی با حمایت مستقیم آمریکا، کشورهای غربی و برخی کشورهای عربی، از شهریور ۵۹ جنگ تحمیلی را علیه ایران آغاز کرد. خود صدام بعدها اعتراف کرد که آمریکا او را به این جنگ واداشت، هرچند در آن زمان این حمایت‌ها را کتمان می‌کردند. از داخل هم جریان‌های وابسته به غرب، چه لیبرال‌ها به رهبری بنی‌صدر و نهضت آزادی، و چه ساژمان منافقین، شمشیر را از رو بستند و علیه انقلاب وارد عمل شدند.

طرح ۵۵۰ هزار هکتاری مقام معظم رهبری، که در سال ۷۵ با هدف احیای دو میلیون هکتار اراضی کشاورزی در خوزستان و ایلام مطرح شد، به دلیل کمبود بودجه و سوءمدیریت به ۵۵۰ هزار هکتار تقلیل یافت و تا سال ۹۲ فقط ۱۷ درصد پیش‌رفت کرد، یعنی ۹۳ هزار هکتار. در دولت شهید رئیسی، فاز اول، یعنی ۲۹۵ هزار هکتار تکمیل شد، اما فاز دوم، ۲۵۵ هزار هکتار، همچنان متوقف است.

منافقین با ترورهای کور و سازمان‌یافته ضربات سنگینی به انقلاب زدند. انفجار دفتر حزب جمهوری اسلامی در هفتم تیر ۶۰، که منجر به شهادت آیت‌الله دکتر بهشتی و ۷۲ تن از یارانش شد، یکی از تلخ‌ترین نمونه‌های این جنایات بود. شهدای محراب، مثل آیت‌الله مدنی در تبریز، آیت‌الله دستغیب در شیراز، آیت‌الله صدوقی در یزد، آیت‌الله اشرفی‌اصفحانی در کرمانشاه و همچنین ترور رئیس‌جمهور وقت، محمدعلی رجایی، و نخست‌وزیر، محمدجواد باهنر، در انفجار دفتر نخست‌وزیری در هشتم شهریور ۶۰، عمق فتنه داخلی را نشان می‌داد. منافقین ابتدا

با شعارهای فریبنده سعی کردند خودشان را انقلابی باز زنند، اما وقتی ماهیتشان افشا شد، به ترورهای روزانه روی آوردند، گاهی تا ۲۰ ترور در روز، که فضای کشور را به‌شدت متشنج کرد. بنی‌صدر هم با سوءاستفاده از جایگاه ریاست‌جمهوری، با امام خمینی و نهادهای انقلابی مثل مجلس، شورای عالی قضایی و حزب جمهوری اسلامی در تضاد بود. او با حمایت از گروه‌های ضدانقلاب و تضعیف جبهه‌های جنگ، عملاً به دشمن یاری رساند و نهایتاً در ۳۱ خرداد ۶۰ با رأی عدم کفایت سیاسی مجلس عزل شد. این وقایع نشان‌دهنده هماهنگی دشمن خارجی و عوامل داخلی برای سرکوفی انقلاب بود. اما در همان سال، انقلاب پیروزی‌های بزرگی هم به دست آورد. چهره واقعی نفاق و لیبرالیسم برای مردم عریان شد و دیگر کسی نمی‌توانست آن‌ها را تلهپیر یا توجیه کند. در جبهه‌های جنگ هم عملیات ثامن‌الائمه در مهر ۱۳۶۰ حصر آبادان را شکست، عملیات طریق‌القدس در آذرماه شهرستان و ۶۵۰ کیلومتر مربع از خاک ایران را آزاد کرد و مقدمات عملیات‌های فتح‌المبین و بیت‌المقدس را فراهم نمود. این پیروزی‌ها نشان داد که انقلاب با وجود ضربات سنگین، همچنان پویا و مقاوم است.

حالا در سال ۱۴۰۳ هم شاهد تقابل مشابهی بودیم. جبهه مقاومت و انقلاب اسلامی در برابر استکبار جهانی، به‌ویژه رژیم صهیونیستی که شباهت زیادی به صدام یعنی دارد، قرار گرفتند. صهیونیست‌ها با حمایت آشکار آمریکا و کشورهای غربی، جنایات و وحشیانه‌ای در غزه و لبنان مرتکب شدند؛ بمباران بیمارستان‌ها، مدارس و اردوگاه‌های آوارگان که به شهادت ده‌ها هزار غیرنظامی منجر شد. کشورهای غربی با نادیده گرفتن شعارهای حقوق بشری‌شان، در روز روشن از این جنایات دفاع کردند، درست مثل حمایتشان از تجاوزات صدام در دهه ۶۰. وقتی دادگاه لاهه نتانیاهو را به جنایت جنگی محکوم کرد و سفر او به خارج از فلسطین اشغالی ممنوع شد، یابین صراحتاً گفت: «اگر اسرائیل نبود، باید آن را ایجاد می‌کردیم.» این نشان‌دهنده حمایت بی‌چون‌وچرای غرب از صهیونیست‌هاست.

برای اولین‌بار در سال ۱۴۰۳، جهان علیه اسرائیل متحد شد؛ نه‌تنها ملت‌ها، بلکه برخی دولت‌ها و نهادهای بین‌المللی هم صهیونیست‌ها را محکوم کردند. اما آمریکا با تمام ظرفیت، از جمله ارسال تسلیحات پیشرفته و کمک‌های مالی هنگفت، از اسرائیل حمایت کرد. مثل سال ۶۰ که شخصیت‌های بزرگی از دست دادیم، در سال ۱۲۰۳ هم شهدایی مثل آیت‌الله رئیسی، سرداران محور مقاومت، سید حسن نصرالله، اسماعیل هنیه، سید هاشم صفی‌الدین، علی کرکی و دیگران را از دست دادیم. دشمن تصور می‌کرد با حذف این شخصیت‌ها، محور مقاومت و جمهوری اسلامی تضعیف می‌شود، اما

آیت‌الله محسن حیدری، نماینده مردم خوزستان در مجلس خبرگان رهبری، امام‌جمعه موقت اهواز و مدیر حوزه علمیه الغدیر اهواز، شخصیتی برجسته در عرصه علمی، فرهنگی و اجتماعی است که با تلاش‌های خستگی‌ناپذیر خود در تربیت عالمان دینی و گسترش معارف اسلامی، نقش مهمی در تقویت هویت شیعی و فرهنگی خوزستان ایفا کرده است. ایشان با تأسیس و مدیریت حوزه‌علمیه الغدیر در سال ۱۳۸۹، گامی مؤثر در جهت تربیت طلاب جوان، به‌ویژه از مناطق حاشیه‌نشین و روستایی خوزستان، برداشته و این مرکز را به یکی از نهادهای برجسته آموزشی و تهذیبی کشور تبدیل کرده است. کسب رتبه ششم کشوری در زمینه‌های آموزشی، اخلاقی و تبلیغی توسط حوزه الغدیر نشان‌دهنده موفقیت‌های چشمگیر این مجموعه در مدت کوتاهی از تأسیس آن است.

یکی از ابتکارات برجسته آیت‌الله حیدری، تأسیس مدرسه قرآنی در کنار حوزه الغدیر است که طلاب را ملزم به حفظ کامل قرآن کریم و آموزش تفسیر طی شش سال تحصیل می‌کند. این مدرسه نه‌تنها در خوزستان، بلکه در سطح کشور به‌عنوان برترین مرکز قرآنی شناخته شده و طلاب

برعکس، مقاومت قوی‌تر شد. حزب‌الله لبنان با وجود شهادت حدود ۳۰۰۰ نفر از کادر خود، بیش از ۶۰ روز با شلیک بیش از ۲۰۰۰ موشک اسرائیل را موشک‌باران کرد و آن‌ها را وادار به درخواست آتش‌بس نمود. در مراسم تشییع سید حسن نصرالله، یک میلیون و ۲۰۰ هزار نفر از شیعه، سنی،

برعکس، مقاومت قوی‌تر شد. حزب‌الله لبنان با وجود شهادت حدود ۳۰۰۰ نفر از کادر خود، بیش از ۶۰ روز با شلیک بیش از ۲۰۰۰ موشک اسرائیل را موشک‌باران کرد و آن‌ها را وادار به درخواست آتش‌بس نمود. در مراسم تشییع سید حسن نصرالله، یک میلیون و ۲۰۰ هزار نفر از شیعه، سنی، مسیحی و همه اقشار در لبنان حضور یافتند. حتی وقتی جنگنده‌های اسرائیلی برای ارباب جمعیت پایین آمدند، مردم نه‌تنها پراکنده نشدند، بلکه با شعار «لیک با نصرالله» علیه اسرائیل ایستادگی کردند. این همان تأثیر شهادت است.

بسیار جالب و جامع بود. حالا می‌خواهیم درباره دو شخصیت برجسته جهان اسلام، آیت‌الله رئیسی و سید حسن نصرالله، صحبت کنیم. شما از تباطؤ نزدیکی با این دو بزرگوار داشتید. لطفاً از خاطرات و برداشت‌هایتان از این دو شخصیت برایمان بگویید. فقدان این دو عزیز در سال ۱۴۰۳ حقیقتاً خسارت بزرگی برای امت اسلامی بود. درباره سید حسن نصرالله، از سال ۸۱ تا ۹۶ در پنج سفر به لبنان با ایشان دیدار داشتم، هر دیدار حدود دو ساعت طول می‌کشید. بحث‌هایمان درباره فقه سیاسی، مسائل بین‌المللی، صهیونیسم، آمریکا و ایران بود. خاطرات از این دیدارها در کتابی با عنوان «ملاقات‌ها ضاحیه» منتشر شده و به عربی هم ترجمه شده است. برداشت کلی‌ام این است که بعد از امام خمینی(ره) و مقام معظم رهبری، سید کاflat سیاسی مجلس عزل شد. این جهان اسلام در عصر حاضر بود؛ از نظر علمی، جهادی، سیاسی، صبریت و شجاعت بی‌نظیر بود. فقدان او نه‌تنها برای محور مقاومت، بلکه برای کل امت اسلامی خسارت بزرگی است. امیدوارم خداوند این فقدان را جبران کند، همان‌طور که فقدان امام را با رهبری مقام معظم رهبری جبران کرد.

درباره شهید آیت‌الله رئیسی، ارتباط ما از اواخر دهه ۷۰، زمانی که ایشان رئیس سازمان بازرسی کل کشور بودند، آغاز شد. در دوره‌های چهارم و پنجم مجلس خبرگان و به‌ویژه در فتنه ۸۸، همکاری نزدیکی داشتیم. در آن زمان، مجموعه‌ای در مجلس خبرگان برای مقابله با فتنه تشکیل شد که ایشان یکی از عناصر اصلی آن بودند و نقش کلیدی در خنثی‌سازی توطئه‌ها داشتند. در دوره تولیت آستان قدس رضوی و سپس ریاست‌جمهوری هم ارتباطمان ادامه داشت. در سال‌های ۹۶ و ۱۴۰۰، ما در خوزستان ستادهایی برای حمایت از ایشان تشکیل دادیم و الحمدلله در هر دو دوره رأی اول را در مناطق ما کسب کردند. ایشان سعه‌صدر و اهتمام ویژه‌ای به حل مشکلات خوزستانی‌ها داشتند. در اولین سفر کاری‌شان در ۴ شهریور ۱۴۰۰، خوزستان را به‌عنوان استان ویژه اعلام کردند. طرح آبرسانی غدیر که از سال ۹۲ تعطیل شد بود، در ۱۰ ماه به اتمام رسید.اندستور نوسازی تصفیه‌خانه‌های شرق و غرب اهواز، احیای طرح فدک برای آبرسانی کشاورزی و حل مشکلات زمین‌های وقفی را دادند. در دو سال و نیم، هشت سفر به خوزستان داشتند که در هیچ استانی سابقه نداشت. برخوردشان با مسائل خوزستان انقلابی، جهادی و دلسوزانه بود. فقدان ایشان حقیقتاً برای خوزستان و ملت ایران خسارت بزرگی بود و امیدواریم خداوند این فقدان را جبران کند.

می‌دانیم شما اشراف کاملی به مسائل این استان دارید و پیگیر چالش‌های آن هستید. به نظر تان عمده‌ترین مشکلات خوزستان چیست و چه دلایلی باعث شده تحول مورد انتظار در این استان رخ ندهد؟

خوزستان قلب تپنده اقتصاد ایران است. این استان ۸۰ درصد نفت و گاز کشور، ۳۰ درصد منابع آب سطحی، بخش عمده‌ای از تولیدات کشاورزی مثل گندم، نیلکره و خرما، و بنادر استراتژیک مثل خرمشهر، بندر

سیاسی

Siyasi@kayhan.ir

آن با جدیت در مسیر تعمیق معارف قرآنی گام برمی‌دارند. همچنین، تأسیس مرکز گفت‌وگوی دینی (الحوار الدینی) از دیگر اقدامات ابتکاری ایشان است که با هدف پاسخ‌گویی به شبهات مذهبی و هدایت افرادی که تحت تأثیر افکار انحرافی قرار گرفته‌اند، راه‌اندازی شده است. این مرکز با گفت‌وگوهای چهره‌به‌چهره و رویکردی افقانی، توانسته بسیاری را به مسیر حق بازگرداند و الگویی برای دیگر مراکز مشابه در خوزستان و کشور باشد. آیت‌الله حیدری همچنین با تأسیس پژوهشکده غدیر و ولایت، به پژوهش در زمینه‌های فقه حکومتی، تاریخ تشیع و کلام حکومتی پرداخته و آثار ارزشمندی در موضوعاتی چون ولایت‌فقیه، فقه محیط‌زیست و تاریخ تشیع در خوزستان تولید کرده است.

این پژوهشکده با تمرکز بر نقش تاریخی خوزستان در گسترش تشیع، به شناسایی و معرفی حدود هزار چهره برجسته شیعی از این منطقه پرداخته که خدمات بی‌نظیری در نشر معارف اهل‌بیت(ع) داشته‌اند. از جمله این چهره‌ها، محدثان اهوازی مانند حسن و حسین بن سعید اهوازی هستند که با نگارش ۱۲۰ جلد کتاب، نقش کلیدی در حفظ و انتقال احادیث

آیت‌الله حیدری، نماینده مردم خوزستان در مجلس خبرگان در گفت‌وگو با کیهان:

خوزستان نیازمند تدایوم راه شهید رئیسی است

تخریب بیش از ۴۰۰۰ روستا و نابودی زیرساخت‌های صنعتی و کشاورزی، در خوزستان بود. رتبه برخورداری خوزستان که پیش از جنگ سوم کشور بود، پس از جنگ به حدود ۳۰ تنزل یافت. این عقبماندگی نیاز به نگاه ویژه دولت‌ها داشت، اما جز در دوره شهید رئیسی، این نگاه دیده نشد. در دهه ۷۰، در دولت هاشمی، بازسازی خوزستان در قالب طرح‌های عمرانی آغاز شد، اما بیشتر به ماله‌کشی شبیه بود تا بازسازی عمیق. در سال ۷۴، شورای عالی امنیت ملی مصوبه‌ای داشت که جنوب‌غرب خوزستان، مثل آبادان و خرمشهر، به دلیل نزدیکی به مرز عراق نباید توسعه یابد. این مصوبه تا سال ۸۳، به‌رغم دستور مقام معظم رهبری، لغو نشد و باعث کاهش سرمایه‌گذاری در مناطق مرزی شد. در دولت خاتمی، در اسفند ۸۳، رئیس‌جمهور در دیدار با نماینده ولی‌فقیه در خوزستان اعتراف کرد که به خوزستان نگاه ویژه‌ای نداشته‌اند. پروژه‌های کلیدی مثل طرح ۵۵۰ هزار هکتساری در این دوره فقط یک درصد پیشرفت داشت. در دولت احمدی‌نژاد، لایحه

اختصاص ۲ درصد درآمد نفت به خوزستان مطرح شد، اما با الحاق ۱۰ استان دیگر تحت عنوان استان‌های محروم، عملاً اثرش را از دست داد. در دولت روحانی، بی‌توجهی به اوج رسید؛ طرح‌های عمرانی مثل آبرسانی سومین مشکل، عدم همدلی و هماهنگی نخبگان است. خوزستان نخبگان علمی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی زیادی دارد، چه در داخل استان و چه در تهران و شهرهای دیگر. اما برخلاف استان‌هایی مثل

میلپون مترمکعب آب از کارون به فلات مرکزی تصوب شد که برخلاف سیاست مقام معظم رهبری، یعنی تأمین آب فلات مرکزی از خلیج‌فارس، است. سا و دیگر نمایندگان خبرگان به این‌س طرح اعتراض کردند و نامه‌ای به رئیس‌جمهور و معاون اول خیمینی در تحریرالوسیله، جلد دوم، باب احیاء موات، ولویت آب با خوزستان است، چون این استان از ابتدا با کارون، دز، کرخه، آباد بوده و سدسازی‌های بالادست نباید منافعی را به خطر بیندازد. این انتقال می‌تواند به تنش‌های اجتماعی منجر شود که مورد سواس‌تفاده دشمن قرار گیرد و امنیت ملی را تهدید کند. ششمین مشکل، مشکلات زیست‌محیطی و زیرساختی است. خوزستان با چالش‌های زیست‌محیطی متعددی مواجه است. خشک شدن تالاب‌های هورالعظیم و شادگان، به دلیل سدسازی و کاهش جریان آب، باعث شده خوزستان سالانه بیش از ۱۰۰ روز با طوفان گردوغبار مواجه باشد که شاخص کیفیت هوا را به سطح خطرناک، بالای ۱۵۰ می‌رساند. این ریزگردها سلامت کودکان و سالمندان را به‌شدت تهدید می‌کند. شبکه فاضلاب اهواز، با قدمت ۶۰-۷۰ ساله فرسوده است و در فصل بارندگی، به‌ویژه در مناطق محروم مثل کوی علوی و کوت‌عبدالله، سرریز می‌شود و بیماری‌های عفونی را افزایش می‌دهد. تخلیه پساب‌های صنعتی نیلکره و پتروشیمی و فاضلاب شهری به کارون، این رودخانه را آلوده کرده و شوری‌اش را به ۴۵۰۰ EC رسانده، در حالی که استاندارد آب شرب زیر ۱۰۰۰ EC است. تصفیه‌خانه‌های شرق و غرب اهواز، که در دهه ۵۰ ساخته شده‌اند، ظرفیت تصفیه آب برای ۲ میلیون نفر را ندارند و کیفیت آب شرب در برخی مناطق پایین است.

هفتمین مشکل، عدم احیای کامل طرح‌های توسعه‌ای است. طرح ۵۵۰ هزار هکتساری مقام معظم رهبری، که در سال ۷۵ با هدف احیای دو میلیون هکتار اراضی کشاورزی در خوزستان و ایلام مطرح شد، به دلیل کمبود بودجه و سوءمدیریت به حل هزار هکتار تقلیل یافت و تا سال ۹۲ فقط ۱۷ درصد پیش‌رفت کرد، یعنی ۹۳ هزار هکتار. در دولت شهید رئیسی، فاز اول، یعنی ۲۹۵ هزار هکتار، تکمیل شد، اما فاز دوم، ۲۵۵ هزار هکتار، همچنان متوقف است. مصوبه مجلس یازدهم برای اختصاص ۲۰ درصد سهم دولت از نیلکره، حدود ۴۰ همت، به این طرح هم توسط دولت فعلی در سال ۱۴۰۳ به تأمین اجتماعی اختصاص یافت که برخلاف مصوبه مجلس و به ضرر خوزستان است.

منطقه آزاد اروند، شامل آبادان و خرمشهر، قرار بود به هاب تجاری و گردشگری تبدیل شود، اما به دلیل ضعف مدیریت و عدم جذب سرمایه‌گذاری خارجی، پیشرفت چندانی نداشته است. طرح‌های آبرسانی مثل دشت آزادگان و هویزه هم نیمه‌تمام مانده‌اند. هشتمین مشکل، بیکاری و فقر در مناطق محروم است. با وجود ظرفیت‌های اقتصادی خوزستان، نرخ بیکاری در شهرهای مثل هویزه، دشت آزادگان و کوت‌عبدالله بالای ۲۰ درصد است. شاخص توسعه انسانی خوزستان ۰.۷۴ است، در حالی که میانگین کشوری ۰.۸۰ است. توزیع نامتدالانه فرصت‌های شغلی، به‌ویژه در صنایع نفت و پتروشیمی، نارضایتی ایجاد کرده است. مثلاً بسیاری از کارگران

صفحه ۸

چهارشنبه ۱۰ اردیبهشت ۱۴۰۴

۲ ذی‌القعدة ۱۴۴۶ - شماره ۲۳۸۴۵

شرکت‌های نفتی از استان‌های دیگر هستند، در حالی که جوانان بومی بیکارند.

نهمین مشکل، مسائل زمین‌های وقفی است. در شهرهایی مثل رامهرمز، رامشیر، بهبهان و ماهشهر، زمین‌های وقفی متعلق به آستان قدس رضوی با اوقاف مشکلات حقوقی برای کشاورزان ایجاد کرده‌است. این زمین‌ها، که سال‌هاست توسط مردم کشت می‌شوند، به‌دلیل اختلافات حقوقی امکان دریافت سند و وام بانکی ندارند و این انگیزه کشاورزان را کاهش داده است.

در دوره شهید رئیسی، تحولات مهمی در خوزستان رقم خورد. ایشان اولین سفر کاری‌شان را در ۴ شهریور ۱۴۰۰ از خوزستان آغاز کردند و این استان را به‌عنوان استان ویژه اعلام نمودند. طرح آبرسانی غدیر، که از سال ۹۲ تعطیل شده بود، در ۱۰ ماه تکمیل شد و آب شرب با کیفیت زیر ۱۰۰۰ EC را برای ۲۶ شهر و ۱۶۰۰ روستا تأمین کرد. طرح فدک برای آبرسانی کشاورزی به پنج شهرستان ایذه، باغملک، رامهرمز، هفتکل و رامشیر، پس از ۱۲ سال تعطیلی احیا شد و قراردش با قرارگاه خاتم‌الانبیا بسته شد. برای نوسازی تصفیه‌خانه‌های شرق و غرب اهواز و حل مشکلات زمین‌های وقفی هم دستورات لازم را صادر کردند.

من مکانیات متعددی با ایشان داشت. در سال ۱۴۰۱، در مجلس خبرگان از ایشان برای طرح غدیر تشکر کردم، اما گفتم برای خوزستان هنوز حلاوتش را نچشیده‌اند، چون تصفیه‌خانه‌های اهواز فرسوده‌اند. بلافاصله دستور نوسازی این

در دوره شهید رئیسی، تحولات مهمی در خوزستان رقم خورد. ایشان اولین سفر کاری‌شان را در ۴ شهریور ۱۴۰۰ از خوزستان آغاز کردند و این استان را به‌عنوان استان ویژه اعلام نمودند. طرح آبرسانی غدیر که از سال ۹۲ تعطیل شده بود، در ۱۰ ماه تکمیل شد و آب شرب با کیفیت زیر ۱۰۰۰ EC را برای ۲۶ شهر و ۱۶۰۰ روستا تأمین کرد. طرح فدک برای آبرسانی کشاورزی به پنج شهرستان ایذه، باغملک، رامهرمز، هفتکل و رامشیر، پس از ۱۲ سال تعطیلی احیا شد و قراردش با قرارگاه خاتم‌الانبیا بسته شد. برای نوسازی تصفیه‌خانه‌های شرق و غرب اهواز و حل مشکلات زمین‌های وقفی هم دستورات لازم را صادر کردند.

تصفیه‌خانه‌ها را به وزیر نیرو دادند و همان سال کلنگ تصفیه‌خانه شرق اهواز زده شد. در مهر ۱۴۰۲، سه نامه با امضای نمایندگان خبرگان خوزستان به ایشان تقدیم کردم: یکی درباره حل مشکلات زمین‌های وقفی در رامهرمز، رامشیر، بهبهان و ماهشهر، که نیاز به تصمیم‌گیری به سطح سران قوا داشت؛ دیگری درباره نوسازی تصفیه‌خانه‌های شرق و غرب اهواز؛ و سومی درباره احیای طرح فدک و مشکلات آبرسانی کرخه فقط چهار روز بعد، در ۹ مهر ۱۴۰۲، دستورات ایشان از طریق دفتر ریاست‌جمهوری به وزرای نیرو، جهاد کشاورزی و کشور ابلاغ شد. نتیجه این پیگیری‌ها، احیای طرح فدک، کلنگ‌زنی تصفیه‌خانه شرق اهواز، پیشرفت در حل مشکلات زمین‌های وقفی و دستور مطالعه برای آبرسانی کرخه بود. در اسفند ۱۴۰۲، در آخرین سفر‌شان به خوزستان، موضوع تصفیه‌خانه غرب اهواز را مطرح کردم و فرمودند: «چشم، آن هم پیگیری می‌شود.» ایشان شخصاً از پروژه‌های فدک و تصفیه‌خانه شرق بازدید کردند و دستور تسریع دادند. نتیجه این پیگیری‌ها، احیای طرح فدک، کلنگ‌زنی تصفیه‌خانه شرق اهواز، پیشرفت در حل مشکلات زمین‌های وقفی و دستور مطالعه برای آبرسانی کرخه بود. در اسفند ۱۴۰۲، در آخرین سفر‌شان به خوزستان، موضوع تصفیه‌خانه غرب اهواز را مطرح کردم و فرمودند: «چشم، آن هم پیگیری می‌شود.» ایشان شخصاً از پروژه‌های فدک و تصفیه‌خانه شرق بازدید کردند و دستور تسریع دادند.

متأسفانه در دولت فعلی، این نگاه ویژه دیده نمی‌شود. بودجه ۷۰ همتی طرح ۵۵۰ هزار هکتاری به تأمین اجتماعی اختصاص یافت. تخصیص ۸۹ همت اعلام‌شده برای خوزستان هم عمدتاً مربوط به پروژه‌های غیرمرتبط مثل راه‌آهن شلمچه، ۴۹ همت، با بودجه‌های جاری و تسهیلات بانکی بود و بودجه جدیدی تزییق نشد. این‌س در حالی است که برای سیستان‌بلوچستان، ۵۰ همت از صندوق توسعه ملی برای راه‌آهن تخصیص یافت. طرح جدید انتقال ۱۶۰ میلیون مترمکعب آب از کارون هم نگرانی‌های جدی ایجاد کرده است. برای حل این مشکلات، باید چند کار انجام شود. اول، مدیران بوم‌ی و کارآمد منصوب شوند. دوم، فرهنگ کارآفرینی با آموزش‌های مهارتی و تسهیلات بانکی ترویج شود. سوم، شورای نخبگان خوزستان تشکیل شود تا برنامه توسعه را تدوین کند. چهارم، دولت بودجه ویژه‌ای از صندوق توسعه ملی برای خوزستان تخصیص دهد. پنجم، انتقال آب از کارون متوقف و آب فلات مرکزی از خلیج‌فارس تأمین شود. ششم، حق آب تالاب‌ها، حداقل ۱.۵ میلیارد مترمکعب، تخصیص یابد تا ریزگردها کاهش یابند. هفتم، تصفیه‌خانه‌ها و شبکه فاضلاب اهواز و طرح‌های آبرسانی تکمیل شوند. هشتم، نخبگان، علما، نمایندگان و رسانه‌ها از راه قانونی مطالبه‌گری کنند و با آمار و راهکار دولتمردان را آگاه کنند. به آقای پزشکبان از سفر اخیرشان، آذر ۱۴۰۳، گفتیم اگر رفع تبعیض مدنظر شماست، باید همان نگاه شهید رئیسی را ادامه دهید. خوزستان با این همه ثروت، نباید این مشکلات را داشته باشد. امیدوارم دولت چهاردهم طرح‌های نیمه‌تمام رئیسی را تکمیل کند و نگاه ویژه‌ای به خوزستان داشته باشد.

بسیار مهمان از وقتی که گذاشتید و توضیحات جالب‌مات.

تشکر از شما. امیدوارم خداوند به همه ما توفیق خدمت به مردم و نظام اسلامی را عطا کند.